بسم‌الله الرحمن الرحیم

[مفهوم غایت 2](#_Toc436515985)

[اشتراک زبان‌ها و فلسفه زبان 2](#_Toc436515986)

[تعمیم معنای غایت 2](#_Toc436515987)

[بحث از ابتدای غایت 3](#_Toc436515988)

[جمع‌بندی 3](#_Toc436515989)

[نتیجه‌گیری 3](#_Toc436515990)

# مفهوم غایت

سومین مفهومی که در کلمات بزرگان مطرح‌شده است، مفهوم غایت است. به لحاظ واژه این کلمه روشن است که ما در همه زبان‌ها ادواتی داریم که دلالت بر غایت و انتهای فعل می‌کنند. در اینجا در پرانتز لازم است اشاره شود که؛

## اشتراک زبان‌ها و فلسفه زبان

بخش عمده‌ای از قواعد ادبی که در یک‌زبان است، اشاره به مفاهیم پایه‌ای دارد که در همه زبان‌ها وجود دارد. هرچند برخی امور جزیی در برخی زبان‌ها متمایز دیگری است. اما بسیاری از محدوده آن‌ها مشترک بین فهم و ساختارهای ذهنی افراد است، مثل فاعل و مفعول؛ این امور واقعیت‌هایی است که زبان بشری گویای به آن است و لذا می‌شود لغات را با یکدیگر مقایسه کرد.

در فلسفه زبان مشروح این بحث باید مطرح شود که روح زبان‌ها یکی بوده و در جزییاتی با یکدیگر متفاوت هستند و تفاوت زبان‌ها نیز بسته به عواملی است. مقداری در این زمینه کارشده است. مثال آن در ادبیات؛ صرت من البصره الی الکوفه است. لذا در همه زبان‌ها حروف یا اسمائی دلالت بر این غایت می‌کنند. حال این ادات وضع برای غایت شده و یا در کلام، آن مفهوم استفاده می‌شود. مثل الا، در مثال ذلک الشئ محرم علیه الا ان یضطر الیه.

### تعمیم معنای غایت

بنابراین، نکته بعد این است که گاهی کلماتی به لحاظ ادبی برای غایت وضع نشده است، اما در ضمن کلام از حیث اصولی از آن استفاده مفهوم غایت می‌شود، همانند الا. غایتی که در اینجا موردبحث است اعم از دو مورد بیان‌شده خواهد بود. مطلب دیگر نیز این است که غایت در اینجا از حیث فلسفی دارای دو معنا است؛ گاهی به معنای ما ینتهی الیه الشئ و گاهی به معنی هدف و علت غایی است. اما در اینجا معنای اول یعنی ما ینتهی الیه الشئ مراد است.

### بحث از ابتدای غایت

سؤال دیگری نیز در اینجا وجود دارد که انتها و غایت در نقطه مقابل ابتدا است، مانند صرت من البصره الی الکوفه. راجع به مفهوم ابتدا چندان بحث نشده است. درحالی‌که قابلیت بحث را دارد که در مثال مفروض چنین مفهومی وجود دارد که از قبل این ابتدا، دیگر سیری صورت نگرفته است. پس مفهوم غایت مفهوم ادوات پایان و غایت امر است.

### جمع‌بندی

لذا غایت در اینجا اعم از ادوات غایت در ادبیات است بلکه در هر جا که مفهوم انتها رسانده شود، جایگاه این بحث خواهد بود. همچنان که این بحث در مورد ابتدا نیز وجود دارد. شاید بهتر باشد که مفهومی مشترک در اینجا بحث شود؛ یعنی التحدید من حیث البدایة و النهایة، لذا شاید اولی این باشد که این مفهوم غایت بدین نحو بازسازی شود. واقعاً در ملاکات و مباحث، انسان فرقی را مشاهده نمی‌کند.

اما غالباً در اینجا ادبیات بحث ما طبق ادبیات رایج پیش خواهد رفت و الا کل مباحثی که در اینجا مطرح می‌شود مربوط به جایگاهی است که تحدید و مرز گذاری‌ای در کلام مولا وجود دارد. سخن در اینجا در این است که این محدودسازی نسبت به ماورای حکم نیز سرایت پیدا می‌کند؟

### نتیجه‌گیری

لذا در همه مفاهیم حد و چارچوبی قرارگرفته شده است، گاهی به نحو ابتدا، گاهی به شکل انتها و گاهی نیز به‌صورت استثناء یا امور دیگر است. در کلام مولی ممکن است در مواردی ابتدای غایت ذکر نشود. این مباحث سلسله مباحث مقدماتی بود برای این‌که به اصل بحث برسیم.

درمجموع باید گفت مفهوم خود را در قالب تحدید نشان می‌دهد و یک نوع از تحدیدها، تحدید به انتها است. در نقطه مقابل، تحدید از ناحیه مبتدا وجود دارد. اما می‌توان دربیانی جامع این دو بحث را در یک نقطه جامع قرارداد، اما از حیث مباحث با یکدیگر تفاوتی ندارند.

انسان چندان جرئت نمی‌کند که به آن‌ها خرده بگیرد که چرا این‌گونه بحث را مطرح کرده‌اند. هرچند جای بحث دارد و شاید نکاتی را بتوان در صورت بحث از آن استفاده نمود.